قصه

تازه‌های نشر فرهنگ جاوید

اهمیت علم اخلاق از صفحات روزنامه‌ها

تأمل در موضوع‌هایی نظیر خوب و بد، درست و نادرست و انتخاب‌هایی که نمایانگر چنین موضوع‌هایی باشد، شاید بیش از هرچیز دیگری به علم اخلاق مرتبط است. اینکه بتوانیم عقاید خود را روشن بیان کنیم و وقتی پای مباحث اخلاقی به میان می‌آید برای آنها توجیه عقلانی داشته باشیم، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تقسیم‌بندی ارزش‌هایی است که می‌خواهیم در چارچوبشان زندگی کنیم. اما اگر این سؤال برایتان پیش آمده که علم اخلاق را به این مسائل چه ربطی دارد و چه دخلی به زندگی آدم دارد، کافی است صفحات همین روزنامه یا هر روزنامه دیگری را ورق بزنید تا اهمیت موضوع برایتان روشن شود. هرروز با سیلی از اخبار مربوط به انتخاب‌های فردی و عواقب آنها مواجهیم: از شهروندانی آدم‌های سرشناس گرفته تا خشونت جنگ و معیشت‌های آن. از دیدن صحنه کرسنگی‌کشیدن کسانی که سالی صد محرّم نشر نمی‌شد، در یادداشت کوتاهی به موضوع بحران نشر برداشتند و راحل جالبی برای معضل نشر کتاب ارائه دادند. ایشان رک و پوست‌کنده اعلام کردند محدودکردن تیراژ و تجدید چاپ «دلایل منطقی» دارد و درنهایت به‌نفع ناشر و پدیدآورنده و خواننده است. اول، هزینه‌های انبارداری، حمل‌ونقل و حاوِل سرمایه برای رسیدن به اهداف اقتصادی فوق فراهم می‌آورد؛ سوم، با چاپ نوبتی کتاب از فراموش‌شدن آن و تبدیلش به سرمایه ازدست‌رفته جلوگیری می‌شود.(۲) ایشان البته نگفتند چنین راه‌حلی، که عصاره آن «چاپ بر پایه تقاضا» (Print on Demand) است، چطور به کار خوانندگان و بالاخص پدیدآورندگان نفع می‌رساند. اما بیواضح است این در شرایط وخیم فعلی به نحو احسن منافع اقتصادی ناشران را تضمین می‌کند. به‌این‌ترتیب، دیگر از تیراژ ۱۵۰ نباید ترسید و رقمی مابین ۲۰۰ تا ۵۰۰، رقم معقول تیراژ است.

۲۰۰ تا ۵۰۰، یعنی دست‌بالا یک‌هزارم بازدیدکنندگان روزانه از نمایشگاه کتاب تهران. طبق آمار رسمی، اما خبر خوش اینکه این ایده قبلا به‌عمل درآمده است. در همان روزهای آخر سال، برای خرید رمان «دل تاریکی» به کتاب‌فروشی ناشر کتاب رفته بودم که با راوانت بس تاریک‌تری مواجه شدم؛ مدیر انتشارات تعریف می‌کرد دیروز از نشر «آکاه» برای تحویل کتاب‌های جدید آمده بودند. در بین‌شان چشمم به چیزی افتاد که نزدیک بود اشکم دربیاید. گوش‌های ما، که مثلا مشغول براندازکردن کتاب‌ها بودیم، قدری تیز شد. «می‌دانید چه؟ کتاب «استقرار شریعت در مذهب مسیح» هکل با ترجمه باقر پرهام تجدید چاپ شده بود و می‌دانید در چند نسخه؟ گوش‌های ما باز تیزتر شد.- ۳۰۰ نسخه، باورتان می‌شود؟!

به چشم ما که انسان‌های معقول و واقع‌گرایی هستیم و می‌توانیم منطقی به کتاب‌ها نگاه کنیم، ابراز احساسات آن ناشر محترم تا حدی ملاحظه‌آمیز می‌نماید. برای ما که مدت‌ها بود دیگر به سقف تیراژ هزار عادت کرده بودیم، معقول انسان‌ها که روزی این عدد به ۵۰۰ یا حتی ۱۵۰ هم برسد -حتی اگر کتابی از هگل باشد.- آن‌هم با ترجمه باقر پرهام. اما لابد آن ناشر قدیمی هنوز روزهای روشنی را که خیلی هم دور نیست، به‌یاد می‌آورد که تیراژ پنج هزار و تجدید چاپ‌های متوالی در مدت‌زمانی کوتاه، اتفاقی شگفت بود و کف تیراژ مثلا سه هزار نسخه بود که شامل کتاب‌هایی با مضامین خاص می‌شد- مثلا «ادعای همان «استقرار شریعت» هگل با ترجمه باقر پرهام. از سه هزار به ۳۰۰. نشر کتاب در ایران. مگر از کدام مسیر دوزخی گذشته است؟

جمعیت عظیمی که این روزها در راهروهای شبستان مصلای تهران و گذرهای منتهی به آن پرسه می‌زند و اجتماعی را تشکیل می‌دهد که از آن به بهار مطالعه و کتاب‌خوانی تعبیر می‌شود، به نوظهور هر شاخه خارجی‌ای را به اشتباه بیندازد که در کشوری با این میزان علاقه‌مند، کتاب باید تیراژ چنده‌هزاری یا بلکه میلیونی داشته باشد. طبق آمارهای رسمی، سالانه حدود چهار تا پنج میلیون نفر در ۱۰ روز از نمایشگاه کتاب تهران بازدید می‌کنند و برخی استادان دانشگاه با اتکا به همین آمار، از تأثیر بی‌چون‌وچرای این رویداد، این بهار، بر سرانه مطالعه ایرانیان گفته‌اند.(۱) اما عمر این بهار هم مثل همه سال‌های ناشران و در آحاد ملت نهادینه کند. نشاندن دوباره در مقام متهم، به‌پوزه زمانی آسان‌تر می‌شود که تجربه هشت‌ساله دولتی پشت سر باشد که با سیاست‌های ضدفرهنگی خود، مدام در این فکر بود چطور می‌تواند هیچ کاری نکند، یا از انجام هر کاری جلوگیری کند.

البته، مردم مقصرند و دولت مقصرتر. اما راستی، عجیب نیست که هیچ‌کس از نقش خود ناشران در ایجاد این وضعیت نمی‌پرسد؟ ناشران همیشه در این دعوا غایب بوده‌اند و خود را پشت زنوج دولت- مردم گفته‌اند. طراگهای شبیه وقتی پای قیمت کتاب و استحاله آن به کالایی لوکس به میان آمده، نوک پیکان آن سؤال که «چرا ایرانیان کتاب نمی‌خوانند؟» به‌سمت آنها نشانه رفته باشد، اما آنها بلافاصله با حواله‌کردن جواب به قیمت بالای کاغذ و تیراژ محدود، دوباره روح دولت- مردم را سیر یا کرده‌اند. در واقع، ناشران همیشه با کرفتن زنسِتِ «خادمان فرهنگ»، در مقام اعتراض بوده‌اند، ولی بد نیست یک‌بار هم شده آنها را در مقام اتهام بنشانیم (مثلا به‌مناسبت این روزها که «مردم»، از همه‌جای کشور، برای شرکت در یک مراسم «دولتی»، خود را به نمایشگاه کتاب تهران می‌رسانند).

«این روزها»، بیش از هر زمان دیگری در طول سال، ناشران در کانون توجه خبرگزاری‌ها قرار می‌گیرند. پیش از آغاز نمایشگاه، به هر سایتی که به‌پوزه سایت «خبرگزاری کتاب» که سر می‌زدید، حتما به کفتوگو با ناشنری برمی‌خوردید که به‌نحوی از انحا از شرایط موجود ابراز رضایت کرده است. یکی خوشحال بود نیت‌نام اینترنتی، ناشران را از مراجعات مکرر معاف کرده و دیگری از مشارکت‌دادن ناشران در برگزاری نمایشگاه استقبال می‌کرد. به نظرم می‌رسد ناشران با دولت فعلی به نوعی صلح و آشتی رسیده‌اند و روزهای گذشته را هرکهم به‌دست فراموشی می‌سپارند، روزهایی که با معطل‌ماندن کتاب‌ها در ارشاد و کاهی گم‌شدن‌شان در هزارتوهای آن، کرانی کاغذ و قطع یارانه دولتی کره خورده است. البته هنوز نارضایتی از وضع ممیزی به‌جای خود باقی است و مشکل گرانی کاغذ هم حل نشده. اما به‌هرحال، ناشران به همین «تب»، راضی شده‌اند. دراین‌اثنا، روزهای سخت گذشته جان می‌دهد برای اینکه همه کاسه‌کوزه‌ها را سر دولت اصولگرای سابق بشکنیم و باز از نقش ناشران در «بحران نشر» غافل شویم. برعکس، ما می‌خواهیم روزهای روشن‌تری را بیاد آوریم و منشأ بحران را در جایی بجوییم که از قضا سهم ناشران در آن بسیار بیشتر است. از دیدگاه من، مقصر روزهای دور از صلاحیت است.

شعار «توسعه سیاسی» دولت اصلاحات اول از همه به جرقه فرهنگ تأثیر گذاشت. (واضح است که کرانش ما در اینجا تا حد ایمان سردستی و تقلیل‌گراست.) تعداد روزنامه‌ها ناگهان افزایش یافت. محدودیت‌های قبلی از سر موسیقی برداشته شد و نسل جدیدی از هنرمندان سینما و تئاتر و هنرهای تجسمی به میدان آمدند. در حوزه نشر هم اعتقای معروف نشر کتاب‌ها و ادعای بسیاری از مدعای درآمدند و ناشران فراوانی در سایه حمایت بی‌دریغ دولت یا به عرصه نشر گذاشتند. به‌این‌ترتیب، حوزه فرهنگ رونق گرفت و هزینه کار فرهنگی تا حد زیادی پایین آمد. در بخش ادبیات، آثار توقیفی نویسندگانی که سال‌ها پیش مرده بودند یا قرار بود بمیرند، از محاق توقیف درآمد و رونقی هم به آثار غیرتوقیفی داد. صفحات ادبی ناگهان به پدیده ژورنالیسم ایران بدل شد و منتقدان جوان، خواندگان‌شان را با مفاهیم و نام‌های غریبی آشنا کردند که تا‌به‌حال به گوش هیچ‌کس نخورده بود. هم‌چنین دست به دست هم داد تا امکان نویسنده یا شاعرشدن تقریبا برای همه فراهم شود و سرانه آثاری بیش به چند افزایش یابد. کارگاه‌های داستان‌نویسی و انجمن‌های شعرخوانی در اقصی‌نقاط کشور برپا شد تا به کف نیازهای خلق علاقه‌مندان پاسخ دهد.

در بخش علوم انسانی، ولعی برای شناخت انواع و اقسام مکاتب نظری فراگیر شد. جوانانی که تشنه دانستن بودند شبانه‌روز از دل خیل مجموعه‌های داستانی و رمان‌های ایران درآمد که رونق حوزه نشر را دوچندان کرد. اما ازآنجاکه این ناشران «لسوز منطقا باید به صرفه اقتصادی و «خواب سرمایه» نیز فکر می‌کردند. این کتاب‌ها با تیراژ محدود، معمولا هزار نسخه، به بازار آمدند.

در واقع، ایده «چاپ بر پایه تقاضا» از همین زمان به اجرا درآمده بود. براین‌اساس، تیراژ هزار نه فقط یک کمیّت که درعین‌حال، معرف یک کیفیت بود -کیفیت آثار نویسندگان جوان. که غالبا به مصرف خودشان و دوستان و آشنایان‌شان می‌رسید. هرچه بود، «کتاب‌های اول» در آغاز استنتای بازار کتاب بودند و همچنان تیراژ سه هزار و پنج هزار رایج و بلکه معقول بود. اما این استنتا به‌تدریج بخش اعظم بازار نشر را اشغال کرد و آن سه هزار و پنج هزار را به استنتا بدل کرد. زمانی قرار بود کیفیت هزار، خود را به سطح کیفیت نیز هزارتایی‌ها برساند. اما به‌زودی آن‌جنان بازار کتاب را از وجود خود اشباع کرد که غالب پنج‌هزارتایی‌ها برای ادامه حیات مجبور شدند خود را تا سطح هزار پایین بیاورند. در این تغییر و تحول، آنچه رخ داد، تنها افت تیراژ پنج هزار به هزار نبود، بلکه افت کیفیت نیز هزار به هزار و غالب‌شدن کیفیت هزار بر بازار کتاب بود. به‌این‌ترتیب، «کیفیت هزار» تبدیل به اسم رمز و نمادی برای یک وضعیت شد.

همزمان، ناشران ما هم کم‌کم شکل «چاپخانه» به خود می‌گرفتند. در میان خیل آن علاقه‌مندان، بعضی هم به‌دوبدل، مثلا به‌دلیل استعداد یا بخت گشتن در یافتن کارگاه‌های خوب، از اقبال این دسته از ناشران دلسوز برخوردار شدند، اما باز نتوانستند بر میل مهم خود به «داشتن کتاب» غلبه کنند و به‌ناچار به ناشران دلسوز دیگری رو آوردند. آنها به میل خود حاضر شدند، هزینه چاپ کتاب‌شان را تقبل کنند و آن ناشران هم که اکراه، تن به این تقاضاها داده و چاپخانه‌های خود را در اختیار این عزیزان قرار دادند. به‌این‌ترتیب، جلوه دیگری از ایده بکر «چاپ بر پایه تقاضا» پدیدار شد. همزمان با گرانی قیمت کاغذ و قطع حمایت‌های دولتی، هزینه اقتصادی «چاپ بر پایه تقاضا» نیز بالا رفت و بنابراین ناشران‌نویسان و ناشران جوان، که هنوز عاشقانه دوست داشتند کتابی به‌نام خود داشته باشند، به تیراژ ۵۰۰ و کمتر رضایت دادند.

در بخش علوم انسانی، بیش از همه، حمایت ناشران دلسوز از ترجمه‌های بد، درسرساز شد. مدت‌هاست هفته‌ای نمی‌گذرد که صدای فریاد اهل قلم از ترجمه سراپا مغلوط کتابی مهم در حوزه فلسفه، جامعه‌شناسی یا اقتصاد بلند نشود. در تازه‌ترین نمونه، ترجمه کتاب «سرمایه در قرن بیستم» نوشته اقتصاددان فرانسوی، توماس پیکتی، به فارسی منتشر شد و موجی از حیرت حاب‌نظران را برانگیخت. محض نمونه، پرویز صداقت در سایت «نقد اقتصاد سیاسی»، در مطلبی با عنوان «توماس پیکتی در سرزمین عجایب» به سوک علم اقتصاد در ایران نشست. آقای صداقت چون از سرعت بالای مترجم ایرانی در ترجمه این کتاب حجیم به حیرت افتاده بود، دست به مقایسه‌ای میان مترجم انگلیسی و فارسی کتاب زد. مترجم انگلیسی کتاب، آرتور گلدهامر، «که در آستانه هفتاد سالگی است، دانش‌آموخته ای.ای. در مقطع دکترا است و اکنون در مرکز مطالعات اروپا در دانشگاه هاروارد کار می‌کند. گلدهامر کارشناس برجسته مسائل فرانسه و اروپاست، چنان‌که در مورد رخدادهای اروپا دانما از او نظرخواهی می‌شود. وی حدود چهار دهه است که به ترجمه از فرانسه به انگلیسی مشغول است و بارها جوایزی برای ترجمه‌ها و رساله‌های پژوهشی‌اش دریافت کرده است... کتاب سرمایه پیکتی تقریبا صدمین کتابی است که او ترجمه کرده است. گلدهامر، با وجود همه این توانمندی‌ها، بیخ ماه به‌صورت تمام‌وقت صرف ترجمه کتاب کرد... .» در مقابل، مترجم ایرانی، که کوپا با همین کتاب به بازار نشر معرفی شده است. کتاب را ظرف مدت ۸۷ روز ترجمه کرد، یعنی جیزی حدود نیمی از زمانی که صرف ترجمه انگلیسی شده است و این خود نابت می‌کند که «بهره‌وری مترجم» نیز باید به عوامل مؤثر در «چاپ بر پایه تقاضا» اضافه شود.

هم در نشر و هم در ادبیات، برای مبل بیمارگون افراد به داشتن کتاب، البته می‌توان دلایل روان‌شناختی فردی و جمعی جُست. اما تاجایی‌که بسامی ناشران در میان است، ایشان، جه با سواستفاده از کاغذ ارزان و حمایت دولتی و جه با کرفتن زنسِت «حمایت از نسل جوان نویسندگان و شاعران»، غیر از آنکه نان خود را تا حد یک چاپخانه پایین آوردند، دست‌کم دو ضربه مهلک نیز به رابطه خوانندگان با بازار کتاب زدند. آنها غیر از «کل‌الودکردن» بازار کتاب و بی‌اعتمادکردن عموم مردم به هر آنچه در حوزه ادبیات و نظریه می‌گذرد، زیر پای نهادی بسیار مهم و را هم خالی کردند؛ یک حلقه وصل با میانجی، که خوانندگان را به بازار کتاب وصل می‌کرد و مسیری معقول برای رشد نویسندگان جوان فراهم می‌کرد؛ منظور، نقد ادبی است.

مجلات از قدیم‌الایام در فضای فرهنگی ایران مهم شمرده می‌شدند. بسیاری از مترجمان، نویسندگان و شاعران بیشتر به نخستین کارهای خود را در مجلات منتشر کردند. بسیاری از غولهای ادبیات ما زمانی سردبیر مجلات مهم ادبی بودند. مثال برنیم: پدر شعر نو ما، نیما، محبوب‌ترین شاعر عموم «افسانه» را اولین‌بار در روزنامه «قرن بیستم» میرزاده عشقی منتشر کرد، فروغ فرخزاد، اولین شعر خود «کتاه» را در مجله «روشنفکر» منتشر کرد که دبیر ادبی آن فریدون مشیری بود و بسیاری از شاعران مشهور معاصر با چاپ اشعارشان در این مجله به شهرت رسیدند و احمد شاملو هم که خودش، به‌قول نجف دریابندری، یا در حال دایرکردن مجله‌ای تعطیل بود یا تعطیل‌کردن مجله‌ای دایر. در بین داستان‌نویسان، کلشیری جوان نخستین داستان‌هایش را در «جُنگ اصفهان» منتشر کرد و بعد از آن هم، هر زمان فرصت تنفس یافت، مجله‌ای دایر کرد تا محل انتشار کارهای نویسندگان جوان باشد. و بهرام صادقی، که بعضی او را بهترین داستان‌نویس ایرانی می‌دانند، همه داستان‌های کوتاه خود را در مجلات به چاپ رسانده و فقط بعدها بود که آنها را بصورت تجمّعی از سر خیرخواهی برخی از این داستان‌ها در مجموعه‌های به‌نام «سنکر و قمقمه‌های خالی» گردآورد. این نام‌ها مربوط‌به دوران فردوسی و رودکی یا حافظ و سعدی نبوده‌اند که بگویم فراموش شده‌اند، آنها متعلق‌به عصر جدید ادبیات ایران‌اند که از عمرش هنوز صدسال هم نمی‌گذرد.

در بخش نظری، هنوز تجربه «ارغنون» از یادمان نرفته. در روزهایی که اساتید خسته و پابه‌سن‌گذاشته دانشگاه، هنوز از روی جزوه‌های از فرط کهنگی نمرنده و پاره‌پوره خود، درس افلاطون و ارسطو و کانت می‌گفتند، گروه کوچکی از متفکران و استادان جوان و پیشرو، با ترجمه‌های خوب‌شان از مقالات دست‌اول، نمونه‌ای از «آکادمی بیرون از آکادمی» را عرضه کردند. بسیاری از مترجمان فعال‌اعتماد این روزها، کار خود را از همین «ارغنون» آغاز کرده‌اند.

مجلات در همه‌جا همین نقش را بازی می‌کنند. آنها ضمنا خانه منتقدان متنفذ و سرشناس هستند که آثار خود را در تمییز می‌دهند و راه‌ش‌ان برای خوانندگان حجت است. به این اعتبار، هر مجله‌ای، بنا به موضوع و رویکردی که دارد، به ادبیات و جریان روشنفکری زمان خود جهت جرب می‌دهد و جریان می‌سازد. در همین ایران خودمان، امثال شاملو و کلشیری به‌واسطه مجلات مختلف، جریان ادبی مورد نظر خود را به راه اندداختند و حساب اعتبار و نفوذ کلامی که داشتند سلیقه خود را بر شعر و داستان ایران حاکم کردند. حالا هرچقدر که مراسم رونمایی و «نقداگاه» و «کتاب جمعه» «ارغنون» و چه آمده است بر سر «زندروم» و «نگاه نو» و «سیمنا و ادبیات»؟ واضح است که دلایل زیادی در افول این مجلات تاثیرگذار بوده‌اند -ازجمله نداشتن‌کاری‌ها و قصورات خود آنها- اما ناشران ما هم که گویا تنها به نفع خود می‌اندیشند و آن‌هم نفع کوتاه‌مدت، با نسخه‌های پوچی مثل «خدمت فرهنگی» و «حمایت از نسل جوان»، به‌کلی این میانجی مهم میان مردم و بازار کتاب را از دور خارج کردند. حالا هرچقدر که مراسم رونمایی و جلسات نقد و بررسی و جشن‌های چهل‌سالگی و پنجاه‌سالگی و ضدسالگی با حضور نویسندگان و شاعران و بازیگران همه‌فن‌حریف برگزار شود، باز جای خالی آن منتقد پرنفوذ پُر نخواهد شد که با کلام صائبش به ما بگوید اهل خواننده‌کار باشیم.

پرواضح است که همه ناشران از یک قماش نیستند. نه، هستند ناشرانی که هنوز به اصول و معیارهایی پایبندند. اما ایشان، مثل همین کتاب‌های تیراژ سه هزار و پنج هزار، در اقلیت‌اند. (نشر «نی» بی‌تردید از این دسته است.) بحث ما ترس از تیراژ ۱۵۰ نیست. در غرب هم بعضی کتاب‌های خاص با همین تیراژ و براساس همان فرمول «چاپ بر پایه تقاضا» منتشر می‌شوند. مسئله غالب‌شدن «کیفیت» ۱۵۰ در بازار کتاب است. پس خوب است ناشران، وقتی بهار مطالعه هم مثل هر بهار دیگر طی شد، با هم بنشینند و این‌بار از نقد خود آغاز کنند. برای بیرون‌آمدن از این تاریکی، ناشران باید تصمیم بگیرند می‌خواهند چاپخانه باشند یا ناشر.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) «صادق زیباکلام: نمایشگاه کتاب سالانه ۲۰۰ هزار نفر را کتاب‌خوان می‌کند»، خبرگزاری کتاب ایران، ۹۴/۲/۱۱.

(۲) «آیا توفان دیگری در راه است؟»، اعتماد، ۱۳۹۳/۱۲/۳۰، ص. ۲۰.

قصه

تازه‌های هرمس در نمایشگاه

روایت‌شناسی پس از ارسطو و پراپ

آنچه امروز به به نام خاستگاه تحلیل ساختاری روایت، با عنوان جدیدتر «روایت‌شناسی» می‌شناسیم، گرچه تبارش تا «بوطیقای ارسطو می‌رسد، عملا با انتشار کتاب «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» ولادمیر پراپ آغاز شده و گسترش نظری و عملی آن در عرصه پژوهش‌های غرب تاکنون بسیار چشم‌گیر بوده است. جرالد پرینس، در پیش‌درآمد کتاب «درآمدی به روایت‌شناسی» که شامل مقالاتی از رولان بارت، تزوتان تودوروف و خود او است، گزارش فشرده‌ای از این روند ارائه می‌دهد. این کتاب که با ترجمه هوشنگ رهنما منتشر شده، می‌کوشد از این راه، روایت‌شناسی را معرفی و فرایند پیشرفت آن را بررسی کند. البته در این هم که پیشینه تحلیل ساختاری روایت به قدمت چندهزارساله دارد (از عصر ارسطو) و نه تنی قدمت چند ده ساله (عصر پراپ)، به نظر می‌رسد بعد از ترجمه فیدون بدرهای از «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» و علاقه مشتاقان روایت‌شناسی در ایران باید به این حوزه دقیق‌تر و عالمانه‌تر نگاه کرد. ترجمه این کتاب نیز به نظر می‌رسد در همین راستا بوده است. گزینش فصل‌ها در این کتاب با توجه به اهمیت کلیدی محتوای آنها صورت گرفته است. زیرا هر سه شخصیتی که فصلی از نوشته‌هایشان در این مجموعه آمده به نوبه خود در تکوین و تحول نظریه روایت‌شناسی نقش بنیادی داشته‌اند.

بیوستی جامعه‌شناسی در کسستگی نظریه‌ها

«تاریخ اندیشه‌های جامعه‌شناسی» میشل لالمان، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، کتابی درسی برای آموزش نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوره کارشناسی و کارشناسی‌ارشد این رشته است. این کتاب در دو جلد نوشته شده که در مجلد اول، از آغاز جامعه‌شناسی تا ماکس وبر و در مجلد دوم، از پارسونز تا اندیشمندان معاصر بررسی شده است. در جلد نخست، جامعه‌شناسی به‌عنوان علمی معرفی می‌شود که شناسا (سوژه) و موضوع شناختش (ابژه) انسان است. در این کتاب سایه به‌هم‌زنی از آرای فلاسفه یونان باستان، علمای کلام و صاحب‌نظران سیاسی در سده‌های میانی بررسی شده است. همچنین به مناسبت تاریخ و جامعه و سپس انقلاب‌ها و نظم اجتماعی از کنار آرای اندیشمندان کلاسیک مثل مونتسکیو، روسو، توکویل، کنت و... می‌پردازد. جلد اول این مجموعه با بررسی پیدایش علم جامعه‌شناسی، آرای دو بنیان‌گذار اصلی جامعه‌شناسی، یعنی امیل دورکیم و ماکس وبر را بررسی می‌کند؛ متفکرانی که در نظر میشل لالمان درست بودند یک چارچوب مفهومی بسازند تا به کمک آن بتوان همه نوع فعالیت انسان را فهمید و تبیین کرد. اما در مجلد دوم، نویسنده به جامعه‌شناسان معاصر می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه شکل‌گیری آرای او اصالت فردی‌ها تا نظریه‌پردازان پسامدرنیته، به نظر می‌رسد آنچه شاید «تاریخ اندیشه‌ها» را متمایز می‌کند، این است که نویسنده، علاوه بر تحلیل و تفسیرهای شخصی‌اش، ۱۲۵ متن از آثار اصلی بررسی‌شده در کتاب و ۶۵ نشانه از مفسران این آثار را شاهد آورده تا به خواننده هم امکان ردیابی پیوستگی و گسستگی نظریه‌های بزرگ مطرح‌شده را بدهد و هم شوق او را به خواندن آثار اصلی معرفی‌شده در کتاب برانگیزد.

فارابی، ابن‌سینا و غزالی از نگاه جابری

یکی از مهم‌ترین متفکران جهان اسلام در سده دهم اخیر، عابد الجابری، فیلسوف مراکشی، است که در زمینه تاریخ و چگونگی تکوین و ساختارهای اندیشه سیاسی کار کرده است. کتاب «بازخوانی تاریخ فلسفه در مشرق اسلامی»، عنوان مجموعه‌مقالاتی است که مترجم کتاب، احسانعلی باغستانی، از مقالات اولیه و جمع‌آوری شده و ناظر به موضوع تکوین فلسفه اسلامی در مشرق اسلامی و تصویر و تحلیل انتقادی میراث فلسفی و فکری سه متفکر اسلامی، فارابی، ابن‌سینا و غزالی است. پنج مقاله از شش مقاله حاضر، منتخبی از کتاب‌های جابری است که حوزه اولیه اسلامی‌تر و به البته جنحالی‌ترین نظریات و اندیشه‌های اوست. مقاله اول، به‌مثابه درآمدی روش‌شناختی است که جابری در آن نخست روش پژوهشی خود را که ساختارشکنانه است، توضیح می‌دهد و بعد در عمل، آن را بر چند نمونه مختلف منطبق می‌کند. مقاله دوم نقد او بر تاریخ‌نگاری فلسفه اسلامی در دوران جدید است که نویسنده طی آن مروری انتقادی بر پژوهش‌های غربی‌ها و پیروان شرقی عربزبان دارد. مقالات سوم، چهارم و پنجم متضمن نقد احوال و آثار و افکار سه شخصیتی است که به عقیده نویسنده، تأسیس، تکمیل و احیانا تخریب فلسفه اسلامی به دست آنها صورت گرفته: فارابی، ابن‌سینا و غزالی. نگاه جابری به فارابی همدلانه و گاه تا حدی شیفته‌وار است ولی وقتی نوبت به ابن‌سینا می‌رسد، این نگاه رنگ‌وبویی ناهمدلانه و گاه تا حدی خصمانه به خود می‌گیرد. اما نسبت به غزالی بی‌هیچ تعصب و بغضی، با لحن سرد، اندیشه او را بررسی می‌کند. مترجم، مقاله‌ای‌تحت عنوان «جابری و پرورژه نقد عقل عربی»، نوشته کمال عبداللطیف را به این مجموعه افزوده که مروری کلی بر زندگی و آثار و اندیشه‌های جابری است.

معرفی ابن عربی با تصوف

کتاب «آفاق عرفان ابن‌عربی»، اثر محمود اردل قلیچ، پژوهشی است که برخلاف بسیاری از شرح‌حرفه زندگی و آثار ابن‌عربی، به این ایشکه مسئله را تحت سیطره قواعد فلسفه، کلام، تاریخ و نظایر آن بررسی کند، در حوزه تصوف می‌پردازد؛ حوزه‌ای که در ادعایی عجیب، آن را به عنوان یک شاخه علمی معرفی می‌کند. به همین جهت می‌کوشد این مقوله را تا حدی معلوم‌کردن از پوشش همه به اصطلاح‌شناسی و روش‌شناسی تصوف نزدیک کند. برای این کار، نویسنده ناگزیر است تصوف را که معرفتی باطنی است، با اصطلاحات اوّلاً توضیح دهد. او می‌کوشد نشان دهد به کاربردن تعبیر فیلسوف برای سلام برای ابن‌عربی بی‌دلیل نبوده است. از این‌رو، به ابداعات او اشاره دارد و آنها را توضیح می‌دهد؛ ازجمله، به کار بردن علم حقیقت به جای متافیزیک، مراتب وجود به جای هستی‌شناسی، کشف و تجلی به جای معرفت و سیر و سلوک به جای روان‌شناسی. اینها همه از مسائلی است که به نظر نویسنده به فهم بسیاری از مفاهیم مدرن که در ذهن‌های امروزی انباشته شده، کمک می‌کند. نویسنده در این کتاب که توفیق سبحانی از آن را ترجمه کرده، به اصل کتاب ابن‌عربی مراجعه کرده است اما در مواردی که دسترسی به اصل مطلع ممکن نشده، از ترجمه آنها استفاده کرده است.

از نمایشگاه -۱

تاریخ، فلسفه و دین در نشر پارسه

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه برای نمایشگاه کتاب امسال، کتاب‌های جدیدی در حوزه‌های مختلف انتخاب کرده بود. در تاریخ ایران و چهل و فلسفه اسلامی منتشر کرده است. از نام‌های این نشر می‌توان به کتاب «باستان‌شناسی و ادیان جهانی» نوشته تیموتی لینچ اشاره کرد. این کتاب که ذیل کتاب‌های دیگر که طبق گستره‌ای از موضوعات را از منظر باستان‌شناسی دین به‌صورت تفصیلی و تحلیلی ارائه کرده است. در این کتاب مقصود از ادیان جهانی، ادیان یهودی، مسیحی، هندو، بودایی و اسلام است. عنوان جدید دیگر این نشر برای نمایشگاه، «هیتلر و نازی‌ها» اثر دیوید اف کروسا است که با ترجمه مستوره شریعتی منتشر شده است. این کتاب از برآمدن رژیم هیتلر تا سقوط آن را دنبال کرده و آرمان‌ها، سازمان‌ها و تشکیلات و نحوه عملکرد آنها را جزءبه‌جزء گزارش می‌کند. ازجمله اینکه نازیسم چگونه پدیدار شد. در این کتاب نحوه ورود هیتلر به عرصه سیاسی آلمان و جهان، با روایتی از مستندات تصویری، حکومت نژادی، جنگ هیتلر، نسل‌کشی و موقعیت آلمان پس از نسل‌کشی بررسی می‌شود. از این نشر همچنین دو اثر از میرچا الیاده، کتابی درباره کودتای ۲۸ مرداد و همچنین دو اثر از یوخنا فیدر، اندیشمند مسیحی‌آلمانی درباره فلسفه اسلامی هم به نمایشگاه امسال رسیده است.

پیوند دین و هنر برای میرچا الیاده

کتاب «نماید‌پردازی، امر قدسی و هنر» شامل مقاله‌ها و رساله‌هایی از میرچا الیاده، اسطوره‌شناس و دین‌پژوه رومانیایی است که با ترجمه محمدکاظم مهاجری منتشر شده است. الیاده در کاوش همیشگی‌اش برای فهم و شناخت امر مقدس در سراسر تاریخ بشر، صورت و مضمون اساسی شده است: آفرینش و زمان. او ساختارهای اجرایی تشکیل گروه خیرت و کروه شکفت و درنهایت، مخاطب را با مهم‌ترین مفاهیم کلیدی‌اش که امروزه در عرصه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی بسیاری مرتبط با تاریخ کاربرد دارد، آشنا کند. لینچ در این کتاب، تاریخ‌نگاری خود را از لحظه تولد آلمان و شکستن در جنگ بزرگ (۱۹۱۸- ۱۹۱۴) آغاز می‌کند و از این طریق، زمینه‌های ظهور ناسیونال‌سوسیالیست‌ها یا همان نازی‌ها را نشان می‌دهد. او از نگاهی به کتاب «نبرد من» هیتلر، فرایند قدرت‌رسیدن نازی‌ها را و پایان کار جمهوری ویمار در سال ۱۹۳۳ و آغاز صدراعظمی هیتلر در سال ۱۹۳۳ و سپس انتخابش به‌عنوان رایش در اکوست ۱۹۳۴ روایت می‌کند. لینچ گسترش قلمرو رایش سوم را با جنگ‌های آلمان نازی در میدان جنگ در سال‌های ۴۲-۱۹۳۹ دنبال می‌کند و پایان کار او را در جنگ‌های رایش در سال ۴۵-۱۹۴۲ روایت می‌کند. همچنین لینچ در این کتاب، نگاهی هم به زندگی رهبران نازی‌ها مثل گوبلز، هس، نابدریتس، یورمان و هیملر دارد و اقتصاد آلمان، وضعیت نیروهای مسلح، فرهنگ، کار، زنان و ارده‌گاه‌های کار اجباری را بررسی می‌کند.

از نمایشگاه -۲

تازه‌های نشر نی

نشر نی امسال با چند عنوان کتاب جدید در حوزه تاریخ، علم و دین در نمایشگاه حضور دارد: «درآمدی کوتاه به مغز»، «فرهنگ علمی دانش‌آموز»، «تاریخ هشتادساله دانشکده فنی»، «نوانیدن ایرانی: تا اندیشه چالش‌برانگیز و تاثیرگذار در ایران معاصر» و «ابن بطوطه» که این آخری براساس سفرنامه مهم این بطوطه است به قلم محمدعلی موحد.

ابن بطوطه

۵۷ سال از ترجمه فارسی «رحله» یا سفرنامه ابن بطوطه به زبان فرانسه می‌گذرد و این کتاب تابه‌امروز بیش از هشت مرتبه تجدید چاپ شده است. چاپ اول «سفرنامه ابن بطوطه» به‌صورت یک جلدی و سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب، در یک مجلد قطور منتشر و از چاپ دوم به بعد دو مجلد منتشر شد. در سال ۱۳۷۶ محمدعلی موحد، مترجم کتاب، جلد‌تریبن و تکان‌دهنده‌ترین بخش‌های سفرنامه را در قالب کتاب «ابن بطوطه» بازسازی کرد و در این کتاب سال‌های مهمی از شرق‌ترین قبیل فردی و اجتماعی زنان، قرن سیاسی، دین و دولت، آموزش و فرهنگ و سیاری موضوعات مهم دیگر را با تحقیق در سفرنامه ابن بطوطه و منابع دیگر-آن روزگار برای خواننده غیرمتخصص بازسازی کرد. سیری و عملکرد طبقات حاکمه و نکرش و روش پادشاهان و دیوانیان، راه و رسم حاکمان و ف